خارج فقه جلسه 133 - افعال الوضوء – 15/04/1401

موضوع: (فصل فی افعال الوضوء - ادله قائلین به مسمای مسح در پا - اشکالات بر قائلین به این نظر)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

مرحوم شهید اول و محدث بحرانی در باب مسح پا فرمودند مسمای کشیدن کافی است و لازم نیست تا برآمدگی باشد در مقابل مشهور که قائل به وجوب هستند اما دلیل این دو فقیه بزرگوار روایات است:

اول (صحیحه زراره و بکیر): محمد بن الحسين بإسناده عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، وأبيه محمد بن عيسى، عن محمد بن أبي عمير، عن ابن أذينة، عن زرارة و بكير ابني أعين، عن أبي جعفر عليه­السلام أنه قال في المسح، تمسح على النعلين ولا تدخل يدك تحت الشراك، وإذا مسحت بشئ من رأسك، أو بشئ من قدميك ما بين كعبيك إلى أطراف الأصابع فقد أجزأك.[[1]](#footnote-1) (شراک: بند کفش را گویند) اگر مقداری از سر و پا -ما بین برآمدگی تا نوک انگشتان- مسح شود کافی است.

از این بیان امام علیه‌السلام «ما بین کعبیک» استفاده کرده‌اند که بیان برای «من قدمیک» است که مسحِ بر پا چیست؟ حضرت فرمودند مسح بر پا همان ما بین قبه پا و انگشتان پا است معنایش اینست که همه پا لازم نیست مسح شود و به مقدار مسمی کافی است.

دوم: صحیحه زراره و بکیر از امام باقر علیه‌السلام که حضرت وضوی پیامبر را نقل کردند و خودشان یک دستوری دادند مثل حدیث فوق[[2]](#footnote-2) و تقریب استدلال همان است.

اشکال مشهور فقها بر تفسیر فوق: آن صحیحه اولی کلمه «ما بین الکعبین» بیان برای «شیء» است و در صحیحه دوم هم «ما بین کعبین» بیان برای «شیء» است خصوصاً صحیحه دوم که تفسیر آیه ﴿وامسحوا برؤسکم و ارجلکم الی الکعبین﴾ است لذا آیه درصدد حد و مرز مسح پا و سر است و دنبال ممسوح نیست و اگر مثل شهید اصرار کند که این تفسیر درست است لااقل باید حکم به اجمال روایت داد و کنار گذاشت و باید به ظاهر آیه تمسک کرد که از نوک انگشتان تا قبه پا است.

سوم: روایاتی که داخل کردن دست یعنی انگشتان زیر بند کفش را در هنگام مسح واجب نمی‌دانند، تمسح علی النعلین و لا یدخل یدک تحت الشراک که روی کفش مسح کن و دست خود را داخل بند کفش نکن و روایت صحیحه از زراره و بکیر است و مثل همین روایت، روایات دیگری هم داریم که امام باقر علیه‌السلام فرمودند که «إن علیا علیه السلام مَسَح علی النعلین و لم یستبطن»[[3]](#footnote-3) یعنی «و لم یدخل یده تحت الشراک» پس کفایت مسمای مسح از این حدیث به دست می‌آید چون بندهای کفش پایین‌تر از قبه پا است و امام روی آن مسح می‌کشیدند به دست می‌آید که به بالای قبه مسح نمی‌رسیده است.

إن قلت: همان‌طوری که در وضوی جبیره ای روی حائل باید دست بکشد در مسح پا احتمال هست که مثل وضوی جبیره ای است که روی حائل دست بکشد کافی است و حضرت امیر المومنین علیه‌السلام می­خواهند بفرمایند که مسح پا مثل وضوی جبیره­ای است.

‌ قلت: این احتمال موهون است چون هیچ دلیلی از اجماع و غیر آن نداریم که مسح پا مثل وضوی جبیره ای است

سه اشکال بر برداشت از دسته سوم روایات:

اشکال اول(شیخ طوسی)[[4]](#footnote-4): این روایات درصدد بیان کفایت مسمای مسح نیست بلکه می‌خواهد بیان کند که بند کفش‌های عربی مانع وصول آب به پا نیست و لذا نیازی نیست کفش را بیرون بیاورید.

مرحوم تفرشی معروف به مولا مراد تفرشی در حاشیه بر من لا یحضره الفقیه[[5]](#footnote-5) که بین نعل عربی و بصری فرق است در نعل عربی بندی که دارد بند در طول قرارگرفته اما در نعل بصری بند آن روی عرض پا قرار دارد لذا اینکه امیر المومنین علیه السلام روی بند کفش مسح کردند کفش عربی بوده است.

اشکال دوم: «تمسح علی النعلین» ظهور در چند احتمال دارد:

اول: مسح بر پا به اندازه مسمای کشیدن کافی است.

دوم: همان‌طوری که در موهای پر پشت رسیدن آب به پوست واجب نیست همچنین در کفش عربی بنددار رسیدن آب به زیر آن لازم نیست.

سوم: مسح بر روی کفش عندالضرورة جایز است مثلاً در هوای بسیار سرد.

چهارم: حمل بر تقیه شود چون عامه جایز می‌داند.

پس با وجود این احتمالات حدیث مجمل می‌شود و قابل تمسک نیست و به ظاهر آیه رجوع می‌شود ﴿الی الکعبین﴾.

اشکال سوم: در تفسیر کعب دو بیان آمده مرحوم علامه در منتهی المطلب آورده‌اند که کعب ساق پا را می‌گویند و مشهور فقها به قبه روی پا می‌گویند و بنا بر تفسیر مشهور بند کفش هرگز روی قبه پا قرار نمی‌گیرد و قبه را نمی‌پوشاند پس استدلال آن‌ها تمام نیست چون بحث ما روی مسح قبه است و ما نمی‌توانیم از این حدیث استفاده کنیم که امام علیه السلام وقتی مسح روی کفش می‌کردند دستانشان به قبه نرسیده است چون این بند پایین قبه است و ما درصدد این هستیم که شستن قبه واجب نیست و از این حدیث به دست نمی‌آید و این حدیث اجنبی از بحث ما است که آیا مسح باید روی این قبه هست یا نه.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج1، ص292، أبواب الوضوء، باب23، ح4، ط الإسلامية.](http://lib.eshia.ir/11024/1/292/الشراک) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج1، ص273، أبواب الوضوء، باب15، ح3، ط الإسلامية.](http://lib.eshia.ir/11024/1/273/من_قدميه) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج1، ص324، أبواب الوضوء، باب38، ح11، ط الإسلامية.](http://lib.eshia.ir/11024/1/324/يستبطن) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذيب الأحكام، شيخ الطائفة، ج1، ص65.](http://lib.eshia.ir/10083/1/65/عربيين) ذیل حدیث ۱۸۲ [↑](#footnote-ref-4)
5. [من لا يحضره الفقيه‏، الشيخ الصدوق‏، ج1، ص43.](http://lib.eshia.ir/11021/1/43/النعل_العربي) الهامش الخامس [↑](#footnote-ref-5)